

قرآن ناطق، پرچمدار اتحاد و انسجام

مقدمه

هدف از تعیین حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) از طرف خداوند برای جانشینی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامت امت، همان هدف اصیل بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده است یعنی تعلیم کتاب و حکمت از یک سو، تزکیه نفوس و تهذیب ارواح از سوی دیگر و قیام مردم به قسط و عدل از سوی سوم، و بالاخره خروج جامعه انسانی از تاریکی جهل علمی و تیرگی جهالت عملی، و ورود آن به فضای روشن دانش و صحنه ی منور بینش بوده و خواهد بود.

چنین آرمانی فقط در پرتو قرآن و عترت از یک سو، و رهبری فقیه آگاه و سیاستمدار صالح و مدیر و مدبر از سوی دیگر، و وحدت تزلزل ناپذیر و ائتلاف اختلاف ناپذیر امت، محقق خواهد شد.

حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) هدف امامت را، تنظیم و سامان بخشیدن امور ملت معرفی کرده است «و الامانة نظاما للامة و الطاعة تعظيما للإمامة»^۱.

امیر المومنین (علیه السلام) عامل اختلاف و سبب تشتت و پراکندگی را خبث سریره و زشتی باطن دانسته و در این باره چنین فرمود: «و انما انتم إخوان علی دین الله، ما فرق بینکم الا خبثُ السرائر و سوء الضمائر»^۲ راهکارهای حضرت علی (علیه السلام) برای دعوت به اتحاد: امیر المومنین علی (علیه السلام) انسان کامل، خلیفه الله و مظهر تام همه ی اسمای حسنای الهی از یک سو، و کفو و هم سنگ قرآن کریم

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲

۲- نهج البلاغه، خطبه ی ۱۱۳

از سوی دیگر و چون جان رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) از سوی سوم، به تهذیب نفوس سالکان صالح و تزکیه ی ارواح مشتاق رهبری امت اسلامی به بهترین شیوه علمی و عملی می پرداخت و با زبان تحبیب و تطمیع، جامعه اسلامی را به اتحاد و هم آوایی فرا می خواند و زمانی با لسان تحدید و تهدید، اسلام را از اختلاف برحذر می داشت گاهی خیر و سعادت جامعه را در ظل وحدت معرفی می نماید و زمانی خطر شکاف و خلاف را اعلام داشته و می فرماید: «و الزموا السواد الأعظم، فإن ید الله مع الجماعة، و إیّاکم و الفرقة فإن الشاذ من الناس للشیطان كما أن الشاذ من الغنم للذئب.»^۱

چون دست غیبی پروردگار منزله از دست، با متحدان است، لذا باید سواد اعظم و امت منسجم و هماهنگ اسلامی را حفظ نمود، و چون گوسفند وامنده از رمه، که از حفاظت چوپان محروم است و طعمه گرگ قرار می گیرید، لازم است از صفوف به هم فشرده مسلمین فاصله نگرفت تا از آسیب و سوسه شیطان در امان بود.

هیچ فرد خردمند یا گروه متفکر، از خیر منصرف نمی شود و به شر رو نمی آورد مگر آن که در تشخیص خیر و شر، دچار اشتباه شده باشد.

حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) برای هدایت به معیار خیر و شر، اتحاد و همدلی را مدار خیر دانسته، اختلاف و کینه ورزی را محور شر معرفی نموده و در این باره چنین فرمود:

«فایاکم و التلون فی دین الله، فان جماعةً فیما تکرهون من الحق، خیرٌ من فرقه فیما تُحبون من

۱- نهج البلاغه، خطبه ی ۱۲۷

الباطل، و إن الله سبحانه لم يُعْطِ أحداً بفرقةٍ خيراً ممن مضى و لا ممن بقى»^۱

از این سخن بلند، نه تنها سودمندی اتحاد و زیانبار اختلاف استفاده می شود، بلکه استمرار سنت الهی در گذشته و حال و آینده نیز معلوم خواهد شد؛ زیرا اساس فیض الهی بر وحدت و جماعت، پی ریزی شده است و هیچ گونه خیری در تفرقه و کثرت گرائی نامعقول، نخواهد بود.

آگاهی به چنین سنت تحول و تبدیل ناپذیر، یا از روی علم غیب است که ویژه اولیای خداست یا از راه تحلیل عقلی و رخدادهای تاریخی و استمداد از شواهد عقلی و نقلی است که تا حدودی بهره محققان فن تاریخ و نصیب تحلیل گران سنن الهی است.

حضرت علی (علیه السلام) درباره سنت شناسی تحلیلی چنین می فرماید: «من تبینت له الحکمة عَرَفَ العبرة و من عرف العبرة فكأنما كان في الاولین»^۲؛ انسان هوشمند حکیم، از رخدادهای فرعی تاریخ می گذرد و عبور می کند تا به سنت اصلی زوال ناپذیر آن بار یابد که همین عبور از فرع به اصل، عبرت خواهد بود و تحلیل گر عقلی با گذشت از چنین معبری است که گویا با نیاکان جامعه کنونی بوده است. حضرت علی (علیه السلام) درباره خودش چنین می فرماید: من اگر چه در درازای تاریخ نبودم و با تبارها و دوره های پیشین به سر نبردم، اما با بررسی آثار آنان به منزله یکی از آنها شمرده شده ام؛ «بل کأنی بما انتهى إلی من امورهم قد عُمِّرتُ مع أولهم الی آخرهم»^۳؛ چون امیر المومنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) جامع هر دو علم یاد شده بود؛ یعنی هم از راه غیب از سنت الهی آگاه بود، هم از راه

۱- نهج البلاغه، خطبه ی ۱۷۶

۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۱

۳- نهج البلاغه، نامه ی ۳۱

تحلیل عمیق عقلی، از سنت تحول ناپذیر خداوند باخبر بود، لذا خطر اختلاف را به عنوان اصلی کلی گوشزد کرد تا هیچ کس در هیچ مقطعی از تاریخ، هوس اختلاف در سر نیروراند. زیرا هرگز خداوند، جامعه پراکنده و امت متخاصم با یکدیگر را خیر نمی دهد.

همسویی علی (ع) با کلام الهی

ریشه قرآنی سخنان حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) در آیاتی است که دعوت همگان به اعتصام به حبل الله در آن مطرح شده است.

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾^۱؛ همگی به ریسمان خدا (قرآن کریم و اسلام عزیز و هرگونه وسیله وحدت) چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ و نعمت بزرگ خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید و شما بر لب حفره ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

در آیه ای دیگر شرح حال بهشتیان که منزله از کینه و دشمنی نسبت به یکدیگرند، برادرانه در کنار هم زیست می کنند آمده است: ﴿وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ﴾^۲؛ هرگونه حسد و کینه و دشمنی را از سینه آنها بر می کنیم و روحشان را پاک می سازیم در حالی که همه برادرند

۱- سوره آل عمران آیه ی ۱۰۳

۲- سوره حجر آیه ی ۴۷

و بر تخت ها رو به روی یکدیگر قرار دارند. در آیه ای دیگر آمده است: ﴿تَحْسِبُهُمْ جَمِيعاً وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾؛ عصاره ی این آیه کریمه این است که افرادی که دارای مبدا مشترک و هدف مشترک و دین مشترکند، اگر ده های اینان در اثر اغراض و غرایز، پراکنده باشد، خردمند نیستند.